

سبک‌شناسی نثر تذکره میرزا محمدرضا برنابادی

معروفه صدیقی^۱

چکیده

تذکره‌ها را اگر به چند دسته عمومی، محلی، طبقاتی، خانوادگی و موضوعی تقسیم کنیم، تذکره محمدرضا برنابادی در دسته تذکره‌های خانوادگی قرار می‌گیرد. در این کتاب، ضمن معرفی دانشمندان، شاعران و سیاستمداران دودمان میرزایان برناباد، اسناد و نامه‌های فراوانی در باره این شخصیت‌ها گرد آمده که با توجه به معلومات فراوان مندرج در آن‌ها به ویژه در باره خانواده میرزایان برناباد، حکام صفوی و دولت‌های احمدشاه و تیمورشاه درانی و سدوزایی هرات، به اوضاع اجتماعی و ادبی خراسان آن روزگار شامل هرات، جام، قائن و مشهد تا حدود اواسط قرن سیزدهم هجری می‌توان پی برد. محتویات کتاب نشان می‌دهد که هدف مؤلف در درجه اول معرفی خانواده خود و گردآوردن منشآت، نامه‌ها، فرامین، وصیت‌نامه‌ها و ... بزرگان این خانواده و در گام دوم اشاره به زندگی خود و شرح وضعیت اجتماعی و سیاسی هرات عصر نویسنده بوده است. در این جستار پس از معرفی تذکره و نویسنده آن، با ارائه شواهد و مثال‌ها به بررسی سبک نثر نویسنده در دو سطح زبانی (واژگانی و نحوی) پرداخته‌ایم.^۲

کلیدواژه‌ها: محمدرضا برنابادی، تذکره‌نویسی، سبک‌شناسی نثر، تذکره برنابادی، ادبیات هرات.



۱. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هرات Marufah_seddiqi@yahoo.com

۲. طرح موضوع این مقاله حاصل پیشنهاد استاد گرامی دکتر خلیل‌الله افضل‌الله است. از ایشان که در نگارش این تحقیق به ویژه دسته‌بندی و نظم مطالب یاری‌ای کردند، صمیمانه سپاس‌گزاری می‌کنم.



مقدمه

برناباد (به فتح و ضم نخست) یکی از دهکده‌های بزرگ فوشنج قدیم در شصت کیلومتری غرب شهر هرات در ساحل جنوبی هری‌رود است که خانواده‌ای اهل دانش، هنر و سیاست از دیرباز در این روستا می‌زیستند. میرزا محمداشرد برنابادی (۱۰۲۵-۱۱۱۴ق.)، میرزا ابوطالب مایل (۱۰۵۱-۱۱۴۰ق.)، میرزا محمدمهدی (م. ۱۲۰۰ق.) وزیر دارالسلطنه هرات و میرزا محمدرضا برنابادی (۱۱۶۴-۱۲۳۰ق.) از شاعران، نویسندگان و سیاست‌مداران برجسته این روستا هستند که از سده یازدهم تا سیزدهم هجری سری در تاریخ و ادبیات منطقه بلند کردند.

محمدرضا برنابادی آخرین ادیب خانواده میرزایان برناباد، با نگارش تذکره‌ای یکی از ارزشمندترین منابع شناسایی تاریخ اجتماعی و فرهنگی هرات را به یادگار گذاشته است. او از آن‌جا که به اسناد و آثار موجود در خانه‌های میرزایان که در شهر هرات و برناباد می‌زیستند، دسترسی داشته، توانسته مراسلات، نامه‌ها و اسناد مربوط به این خاندان را در این مجموعه ثبت کند. در تاریخ و ادب فارسی نمونه‌هایی شبیه به طرح و ساختار تذکره برنابادی می‌توان یافت که شاید برجسته‌ترین آن «فراند غیائی» است که آن را یوسف اهل جامی در سال ۸۲۰ق. در باره علما و صوفیه منسوب به دودمان شیخ احمد جامی و منشآت و مراسلات مربوط به این خانواده تألیف کرده است. در این مقاله به بررسی ویژگی‌های سبکی تذکره محمدرضا برنابادی در دو سطح واژگانی و نحوی پرداخته‌ایم.

پرسش اصلی تحقیق این است که آیا محمدرضا برنابادی صاحب سبک و طرزی خاص در نثرنویسی است؟ اگر چنین است، ویژگی‌های سبکی نثر او چیست؟ جهت دستیابی به پاسخ، ابتدا متن تذکره به صورت دقیق بررسی شده و شواهدی از ویژگی‌هایی که با بسامد بالا در نثر وجود داشته به عنوان مؤلفه‌های سبکی تشخیص و در مقاله طرح شده‌اند.

به نظر می‌رسد نخستین کسی که در افغانستان به معرفی محمدرضا برنابادی پرداخت، استاد خلیل‌الله خلیلی بود که در آثار هرات خلاصه‌ای از زندگی محمدرضا برنابادی به اضافه نمونه اشعار او را در ۱۳۰۸ خورشیدی نقل کرد. پس از او محمدانور نیر در مجله آریانا در کابل در مقاله‌ای با عنوان «یادداشت‌های برنابادی» به معرفی محمدرضا برنابادی و تذکره او و ساختار آن پرداخته است. سپس غلام‌رضا مایل هروی در مجموعه مقالاتی تحت عنوان «میرزایان برناباد» کارنامه این خانواده را بر اساس تذکره محمدرضا برنابادی بررسی کرد. این مقالات ابتدا در دهه چهل در مجله «آریانا» نشریه انجمن تاریخ آکادمی علوم افغانستان و بعدها به صورت





مستقل در کتابی با همین عنوان در سال ۱۳۴۸ خورشیدی منتشر شد. در سال ۱۳۶۱ دکتر سامیه عبادی روشنگر مقاله‌ای با عنوان «میرزایان برناباد» در مجله خراسان (سال دوم، شماره دوم، حمل - جوزا ۱۳۶۱، صص ۱۵۰-۱۶۶) نوشت. در سال ۱۳۶۳/۱۹۸۴ خورشیدی خانم ناتالیا نیکولونا تومانوویچ (۱۹۲۸-۲۰۰۵ م.) نسخه برگردان تذکره را در مسکو از طریق شعبه تاریخ اکادمی علوم شوروی به نشر سپرد. او ضمن نوشتن مقدمه‌ای بر این تذکره، متن فارسی را نیز به روسی برگردان کرد. بعدها در کابل و در مجله خراسان (سال ششم، شماره پنجم، قوس - جدی ۱۳۶۵، صص ۲۱-۴۰) این مقدمه به فارسی برگردان شد. نگارنده این سطور، نسخه برگردان تذکره برنابادی چاپ مسکو را در سال ۱۳۹۱ به عنوان پایان‌نامه تحصیلی مقطع لیسانس در گروه فارسی دانشکده ادبیات دانشگاه هرات با افزودن مقدمه و واژه‌نامه، بازنویسی کرد. با توجه به کارهای انجام شده، به نظر می‌رسد این آثار بیش‌تر بر زندگی میرزا محمدرضا متمرکز بوده و تا کنون سبک نثر تذکره، مورد پژوهش و بررسی قرار نگرفته است.

ارزش این تذکره ناشی از اطلاعات آن در مورد فعالیت‌های ادبی، هنری و سیاسی یک خانواده مطرح در فرهنگ و سیاست هرات در سده‌های دهم تا سیزدهم هجری است. جز این، اهمیت عمده آن در نقل نامه‌های ادبا، نویسندگان و فرامین شاهان است که نمونه‌ای از منشآت عصر نویسنده را نمایندگی می‌کند. از این روی، تذکره محمدرضا منبع ارزشمندی جهت آشنایی با نویسندگان، ادبا، سیاستمداران نواحی هرات، غوریان، جام، مشهد، قائن، خواف و آگاهی از وضعیت ادبی، اقتصادی، اجتماعی، رسوم، مشاغل عصر و ... در دوره متذکره است.

مؤلف کتاب، اشعار، آثار و ارزش‌های فرهنگی خاندان خود را از اواخر دوره تیموری تا ابتدای دوره قاجاری ثبت تاریخ ادبیات فارسی کرده است. از موجودیت و ویژگی‌های برخی آثار و ابنیه تاریخی که اکنون از بین رفته تنها از طریق این تذکره، اطلاعاتی در دست است. اخبار و شرح وقایع زندگی، نقل اشعار و دیباچه دووین نیاکان محمدرضا و احداث بناهای خیریه دینی و اجتماعی آنان، از ارزش‌های این اثر به شمار می‌رود.

برنابادی، وضعیت آشفته زمان به شمول زورگویی‌ها، اخاذی‌ها، تاراج‌ها، حبس‌ها و قتل‌ها را بی‌پرده به تصویر کشیده، نقد تندى بر اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر دارد. ذکر قیمت و ارزش حیوانات، اشیاء و اجناس (ابزارآلات، عوامل کشاورزی، آهن‌آلات، فرش‌ها، پارچه‌ها)، زمین، اجاره زمین، آسیاب، اسب، وضعیت زراعت و ... از جهت آگاهی به وضعیت اقتصادی عصر زندگی نگارنده، پربهاست. توصیف مشاغل، رسم و رواج‌ها و زندگی روزمره مردم از نگاه مردم‌شناسی برای خواننده امروز مهم است. بازخوانی و چاپ انتقادی این تذکره، پرده از روی



ستم‌ها و بی‌رسمی‌های بسیاری که در خراسان و به خصوص هرات در سده‌های اخیر صورت گرفته، بر می‌گیرد. نامردمی‌های رواداشته بر این خانواده هنرمند و ادیب، مشت نمونه خروار تصویری از اوضاع عصر و ظلم و ستم جاری بر طبقات مختلف مردم را ارائه می‌کند.

نگاهی به زندگی محمدرضا برنابادی

میرزا محمدرضا برنابادی در شب سه‌شنبه سلخ شهر شوال سنه ۱۱۶۴ق. به دنیا آمد.^۱ پدرش محمدکاظم برنابادی^۲ در زمان حکومت احمدشاه ابدالی (حک. ۱۱۶۰-۱۱۸۷ق.)، منشی نایب‌السلطنه هرات و وزیر خالصجات بود.

محمدرضا در تذکره‌اش به تحصیلات و مشاغل خود با جزئیات پرداخته است. او نزد اساتید زیادی چون محمد علی بیگ مشهور به «قاری» قرآن خواندن را در شش سالگی شروع کرد و سپس نزد میرزا عبدالله مفتون، آقا رفیع جامع از خوش‌نویسان برجسته عصر، به تمرین خوش‌نویسی پرداخت. از اساتید دیگر او که نزد آنان به تحصیل علم پرداخته باید به آقا سید محمد، شیخ ضیاءالدین و میرزا حسن که هر کدام در فنون مختلف از مشاهیر عصر خود بودند، اشاره کنیم. او سپس مبادی علوم صرف، نحو، منطق، هندسه، حکمت، حساب و هیئت را فرا گرفت.

برنابادی سپس در تذکره‌اش از ضایع کردن عمر خود به زراعت، گل‌کاری و هرزه‌گردی‌های شکار باز و سیر کوه و صحاری در جوانی یاد می‌کند و از این که نتوانسته به تحصیل معرفت و کمال بیش‌تر پردازد، حسرت خورده است (ص ۱۲۹). او در سال ۱۱۸۳ق. و نوزده سالگی با دختر عموی خود ازدواج کرد. برنابادی در ادامه تذکره، از فرزندان خود از این همسر و دو همسر دیگر خود یاد کرده است و به خانه‌ها و باغ‌هایش اشاره می‌کند. او در اواسط دوره حکومت تیمورشاه درانی (حک. ۱۱۸۷-۱۲۰۷ق.) از جانب این پادشاه به وکالت ولایت غوریان تعیین می‌شود و هفده سال این وظیفه را به دوش داشته است.

محمدرضا بعد از مرگ پدر (حدود ۱۲۱۰ق.) برخلاف میل و علاقه شخصی، بر علاوه وکالت غوریان به وزارت خالصجات هرات نیز توظیف می‌شود. بعدها و پس از درگذشت تیمورشاه از این وظیفه کنار زده شد و زندگی را به سفر بین هرات و مشهد و برناباد گذراند. مدتی در کنار شاهزاده قاجار ملک حسین میرزا در مشهد گاهی به درس دادن و گاهی به تحریر مراسلات وی مشغول بود. روزگاری را هم به ملازمت شاهزاده محمدولی میرزا (۱۲۰۳-۱۲۸۱ق.) صرف کرد.

۱. برنابادی، محمدرضا، ۱۹۸۴، ص ۱۲۷.

۲. محمدکاظم برنابادی دستی در اعمار بناهای خیریه داشت، حوض حسینی واقع مصرخ، حوض قریه جبرئیل و بازسازی حوض قطب‌الدین بهلوان از این شمار هستند.





او در تذکره به آثارش اشاره نکرده، اما در برخی منابع دیگر از جمله «میرزایان برناباد» و «تذکره زرنگار» از دیوان غزلیات و چهل حدیث منظوم وی یاد شده است. بهاء‌الدین بها تیموری نویسنده تذکره زرنگار این غزل وی را نیز ثبت کرده است:

چو برگ گسل که ز باد بهار لرزد و ریزد به دست یار قدح از خمار لرزد و ریزد
 ز دیده خسون دلم قطره قطره چون یاقوت به یاد لعل لب آن نگار لرزد و ریزد
 شوی چو ساقی مجلس، تو جام می ز کف من ز اضطراب دل بی‌قرار لرزد و ریزد
 شود چو یار تو ساقی «رضا» پیاله به دست چو جام می به کف رعشه‌دار لرزد و ریزد^۱

برنابادی، شخصیت‌هایی چون شاه‌محمود (درگذشته ۱۲۴۰ ق.)، شاه‌زاده کامران (حک. ۱۲۴۵-۱۲۵۶ ق.)، وزیر فتح‌خان (۱۱۹۴-۱۲۳۳ ق.)، یوسف‌علی خان حاکم غوریان را مدح کرده و در مرگ پدرش میرزا محمدکاظم، مرثیه سروده است. او در تذکره، کارنامه شماری از بزرگان خانواده خود را شرح داده و برای تولد و وفات برخی از آنان قطعات ماده تاریخ سروده است. شعر میرزا محمدرضا از قدرت چندانی برخوردار نیست و چون اشعار اجدادش پختگی ندارد.^۲

بر اساس گزارش‌های محمدرضا از ضبط و تصرف اموالش توسط افراد مختلف، او ثروت فراوانی داشته و باغ‌ها و خانه‌هایی چند در قریه برناباد احداث کرده بود. به مشهد مقدس، تربت جام، هرات سفر کرد و در اخیر عمر به عزلت و گوشه‌نشینی روی آورد. او در ۶۶ سالگی به سال ۱۲۳۰ ق.^۳ در زادگاهش برناباد از دنیا رفت و در قبرستانی موسوم به «ملای کلان» در جنوب هری‌رود، در پهلوی اجداد شاعر و هنرمندش به خاک سپرده شد.

تذکره محمدرضا برنابادی

محمدرضا، در دو جای تذکره، (مقدمه و ۱۱۹) از انگیزه نگارش تذکره پرده برداشته اما در هیچ جایی، نام کتاب را ذکر نکرده است. او به حادثه‌ای وحشت‌ناک در برناباد اشاره دارد و آن را به باد هلاک‌کننده قوم لوط و حادثه کربلا مانند نموده است (۱۴۲، ۱۷۶، ۱۶۴). برنابادی از شخصی با نام ابراهیم خان غوریانی شاکی است که در اوضاع آشفته سیاسی وقت، با تعدادی

۱. بها تیموری، بهاء‌الدین، تذکره زرنگار، ۱۳۸۴، ص ۴۳.

۲. مایل هروی، رضا، میرزایان برناباد، ۱۳۴۸، ص ۷۰.

۳. از ماده تاریخ «مکان رضا بود بجنان» متعلق به قطعه شعر کتیبه مرقد محمدرضا، تاریخ درگذشت او ۱۲۳۰ ق. برداشت می‌شود.



از یارانش به برناباد هجوم آورده، تمام ثروت او و خاندانش را به تاراج برده است. این تاراج‌ها در پهلوی اضرار مادی، گنجینه‌های اجدادش از قبیل کتاب‌ها، دیوان‌ها، تصانیف، مرثی، قلم‌دان‌های طلا، مراسلات پادشاهان گورگانی و صفوی و شاعران و ادبای دوره‌های مختلف، را از بین برد (۱۵۷). محمدرضا، جهت جلوگیری از تباهی آثار باقی مانده و آگاهی نسل‌های آینده به احوال نیاکان هنرمندشان و عبرت‌گرفتن از جفاهایی که زورمندان آن زمان بر آنان روا داشتند، خواست به صورت خلاصه به معرفی خانواده فرهنگی خود پردازد و نمونه‌هایی از آثار و مکاتیب آنان را و نیز فرامین و منشورهای شاهان و حکما در رابطه به ایشان را در این دفتر نقل کند (۵، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و...).

آغاز نگارش تذکره را محمدرضا، پنجاه‌وشش سالگی خود برابر با ۱۲۲۰ق. نوشته (۱۲۷) و دست کم دو سال را در بر گرفته است: «... و این مقید سلسله محنت و جفا، معتکف زاویه تسلیم و رضا ابن محمدکاظم، محمدرضا نیز از پریشانی که اکثر اسباب و اموال مرا بعد از آن که چندین دفعه به تاراج فنا رفته بود ... منتظر لطیفه غیبی می بود تا حال تحریر که «آدینه و نه رمضان» ۱۲۲۲ق. و همین عبارت، مشعر بر تاریخ سال هجری آن است ...» (۵).

محمدرضا در نگارش تذکره از منابع عصری و کتاب‌هایی چون آتشکده آذر، تاریخ حبیب‌السیر، تاریخ عالم‌آرای ایران، بحرالانساب، لطایف‌الظریف، دیوان ابن یمین و انوار سهیلی استفاده کرده است (۸۸، ۱۱۹، ۱۲۵، ۱۲۸).

فواید تذکره

- اجتماعی

تذکره برنابادی برای خواننده امروز، معلومات ارزنده‌ای را در خصوص فرهنگ و زندگی عصر نویسنده به دست می‌دهد. اطلاعات مفید در رابطه به رسوم و سنت‌های مردم وقت، توصیف مشاغل و رسم و رواج‌ها به ارزش کتاب افزوده است. موضوعاتی از قبیل طیورنگهداشتن (۸۵)، تولیت‌گرفتن سر قبر و نان و حلوادادن (۸۴)، خواستگاری و پیش‌کش دادن، سوغات‌دادن (۱۳۰)، ازدواج‌های اجباری (۱۳۲)، در هنگام خواستگاری و فاتحه‌خوانی کردن برای عروس انگشتر الماس، کله قند و شیرینی بردن (۱۳۲)، بالای خون، دختردادن و سپس طلاق‌گرفتن (۱۶۰)، داشتن غلام و برده (۱۷۲) و ... جلوه‌هایی از رسوم و سنت‌های عصر زندگی نویسنده می‌باشد که در تذکره بازتاب یافته است. از ابزار و وسایل زندگی چون آفتابه و لگن، رخت‌خواب، ظروف چینی و مسی، صندوقچه، کجاوه (۱۵۶) نیز در تذکره گاه و به مناسبتی یاد شده که بر اساس این





اطلاعات اندکی با شیوه‌ها و امکانات زندگی عصر نویسنده می‌توان آشنا شد.

نویسنده با ذکر مشاغل عصر، خواننده را با اشتغالات و مصروفیت‌های مردم زمان خود آشنا می‌کند: «دلاک، کیسه‌مال، خیاط و خبّاز ایشان غلام بچه‌های زرخرید که خود آن‌ها را به شاگردی گذاشته استاد نموده بودند، بودند و معه‌ذا هرگز برای خود پیش خدمت و شاطری که کسی حمل بر اسباب بزرگی نماید، معین نمی‌نمودند» (۹۰). او از انواع لباس چون قدک (۸۹)، قبا (۹۴)، شال (۱۳۱)، پوستین (۱۴۵)، قصب (۱۳۱)، پیراهن (۱۳۱)، شمله (۱۴۱)، زیرجامنی (۱۴۱) یاد کرده و از پارچه‌هایی از قبیل قلم‌کار (۸۹)، کرباس و الیجه (۱۵۰)، مخمل (۱۵۰)، و ... نام برده است. انواع داروهای رایج عصر چون فادزهر، تترو، تریاق فاروق‌دهنه فرنک، عنبر اشهب، تریاک (۱۵۰) نیز ذکر شده و از سلاح‌ها به توپ، خمپاره (۱۷۳)، تفنگ (۱۸۱)، شمشیر (۱۸۲) و از کاغذها به دو نوع کشمیری و سمرقندی (۱۵۷) اشاره کرده است.

- تاریخی

در تذکره، بعضاً اشاراتی به اوضاع و احوال سیاسی هرات و وضعیت حکومتداری در عهد زندگی نویسنده موجود است که نشان از هرج و مرج و فساد در دستگاه حکومت سدوزائیان هرات دارد. به طور مثال او چنین به حادثهٔ پس از مرگ پدر خود در خصوص توظیف وی به وزارت خالصجات هرات اشاره کرده است:

در یوم دویم فوت مرحوم قبله‌گاهی‌ام، حضرات عمّال چون اوارجه‌نویس و مستوفی و غیره به برناباد به پرسش آمده و رقیمه‌ای از مستوفی الممالک در باب ورود راقم حروف به هرات آوردند و بعد از یوم هفتم تعزیهٔ مرحوم قبله‌گاهی‌ام، حسب‌الفرمودهٔ شاه‌زادهٔ نامدار، این سیاه‌روزگار را مأمور به شغل والد مرحمت‌دثار و توقع پیشکش جهت سرکار نمودند. ... از قبول آن ابا و انکار و برادران را تکلیف آن کار نمود، فایده‌پذیر نگشته وزارت خالصجات هرات را بر علاوهٔ وکالت ولایت غوریان، مرجوع به این خاکسار فرمودند و عنفاً مبلغ شصت تومان وجه پیشکش از این معتکف زاویهٔ عجز و انکسار گرفتند و اخوی محمدعلی را نیز به مواعید بسیار فریفته و سی تومان پیشکش گرفته، شاه‌زادهٔ کامگار کتابدار خود فرمودند (۱۳۶).

سبک‌شناسی تذکره

شناخت سبک یک نویسنده، در حقیقت شناختِ نسبی شخصیت، عقاید، ذوق، مهارت و توانایی‌های اوست. با بررسی، تجزیه و تحلیل نثر یک نویسنده در سطوح زبانی، ادبی و فکری





می‌توان به فردیت و سبک شخصی آن پی برد. «سبک‌شناسی در واقع گونه‌ای از تحلیل ادبی است که با تکیه بر روش‌های زبان‌شناسی، جنبه‌های مؤثر زبان مجازی و زیبایی‌های صور زبانی را بررسی می‌کند و به زبان پیچیده و نفیس ادبی بیش از زبان ساده علاقه نشان می‌دهد».

نثر تذکره محمدرضا، نثر یک‌دستی نیست گاهی ساده و زمانی متکلف و پیچیده و گاهی بینابین است. او در مواقعی با بهره‌گیری از آرایه‌های ادبی، واژه‌های غیرفارسی، معانی را در کسوت ابهام و استعارات پیچیده پوشانده است و گاه با عباراتی ساده و روان و جملاتی کوتاه متنی امروزی نوشته است. بندهایی نیز در این تذکره به چشم می‌خورند که محمدرضا هنر خود در نثرنویسی را به نمایش گذاشته است. عدم یک‌دستی متن تذکره را با چند مثال در این جا تبیین خواهیم کرد:

نثر ساده و روان:

و آن هم پسر عم و فرزندان مرا زجر و کوتک نموده، مبلغ ده تومان از آن‌ها جهت خود گرفته، مراجعت نمود. مخفی نماناد که این ظلم و جفا در آن فرصت نه بر این بی‌سروپا تنها بود بلکه همه‌روزه قریب به صد نفر چون من به شکنجه عذاب و بلا به چنگ اذال و جهلا مبتلا بودند (۱۴۵).

نثر متکلف:

و در آن ایام که ماه محرم الحرام بود از اغتمام تذکار جفاها و آلامی که از لئام بنی‌امیه و یزید پلید به امام همام واجب الاحترام شهید سعید رسید و تصور از احترام و اصطلاحی که از احتکام حکام و اختصاص ظلام به تخصیص ابراهیم زینم نطفه حرام به این مستهام واقع گردید؛ عموم غموم و هجوم هموم این مهموم مخموم محروم را بر آن داشت که این واقعه را منظوم و مرقوم نمود (۱۹۶).

نثر بینابین:

ظاهراً نتیجه صغرا و کبرای قضا و قدر آن است که یکی که چون من در راه صدق، پا تا زانو سوده همه تن تسلیم و رضا باشد، از مایده امید بویی نشمیده به خون جگر ناشتا نماید و ساغر تمنایش همیشه لبریز شوراب سرشک و خوناب دل باشد و دیگری که کلیات حواس خمسه را صرف سرقت و آسز و نهب مال مسلمانان نموده باشد، بی زحمت تصدیق و کلفت مشقت و اضرار چون آشزار غدار این دیار، از دست توجه ساقی داستان‌شعار دون پرور روزگار، جام‌های خوشگوار از می مقصود سرشار به کف آرد (۲۰۸).

۱. فتوحی، محمود، سبک‌شناسی (نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها)، ۱۳۹۰، ص ۹۵.





در این قحط‌سال انسانیت و کسادبازار آدمیت که روزی از دستبرد مکاره روزگار ایمن نبوده‌ام و شبی از شبیخون محن ایام غدار آسوده نغزیده‌ام در غمگده زمانه به محنتی می‌گذرانم که بی‌رحمی چون دوران به حال من حیران است و در آتشکده عشرت فقر و فاقه به طریقی می‌سوزم که بی‌مهری چون سپهر، بر احوال من گریان (۲۰۸).

اول این‌که از تاریخی که موی سفید بر مزرعه جوانی بر به سرسبزی می‌زد، تا حال که در شوره‌زار پیری کاه کهنه به باد می‌رود، زمین خوش‌حاصل آشنایی در قباب صداقت‌آیات مهربانی ما، بذرافکن محبت طرفین بود و این سرکار همیشه این نسق داشته که هر گاه به شهر کارسازی آمده‌اند، خرقة آمیزش و التیام را به نخ کاریز ترزبانی رفوگر بوده‌ایم و همین که به دولت‌خانه تشریف برده‌اند، قنواه یادآوری احباب را هلاکوبند نسیان پسندیده‌اند (۱۹۴).

در ادامه خصوصیات زبانی نثر تذکره را در دو سطح واژگانی و نحوی با ارائه شواهد نشان خواهیم داد:

سطح واژگانی

با دورنگاهی به ادوار گوناگون ادبی مشاهده می‌شود که نثر فارسی در بستر زمان متحوّل شده، با هجوم قبایل عرب، ترک‌های سلجوقی، مغولان و ... زبان فارسی، تحت تأثیر خصوصیات صرفی و نحوی زبان‌های اقوام مذکور قرار گرفته است. از همین رو، نثر فارسی در دوره‌هایی مملو از واژه‌های بیگانه است. در سده سیزدهم هجری نثر تذکره محمدرضا برنابادی نیز برخوردار از واژه‌های عربی، ترکی و مغولی معمولی و مروّج دوره زندگی نویسنده است که گاهی فهم متن را برای خواننده امروز دشوار می‌سازد.

واژه‌ها و ترکیبات عامیانه

یکی از شاخص‌های سبکی نثر تذکره، وجود واژه‌های محلی و عامیانه است. از این شمار می‌توان به واژه‌هایی چون مکانیت (۸)، همیون (۵۳)، رسد (۵۷)، سیّم (۶۹)، همشیره (۷۵)، رویم (۷۹)، بکار (۹۰)، سالیانه (۱۰۰)، شمایان (۱۲۱-۱۸۶)، ماها (۱۲۱-۱۷۱)، یکم (۱۲۲)، میان (۱۲۲)، سرا (۱۲۹)، پیش‌کش (۱۳۰)، فاتحه‌خوانی (۱۳۲)، خواه‌مخواه، رویه، دویم (۱۳۶)، شکم‌چرانی (۱۴۱)، چارپا (۱۴۳)، دربدر (۱۴۸)، خاطرجمع (۱۵۰)، سوا (۱۵۳)، کوتاه‌دستی (۱۵۵)، زودی (نزدیکی)، کوچ (همسر) (۱۶۶)، طرف (شخص) (۱۶۷)، ماده‌گاو



(۱۸۶)، بدانستگی (۱۶۴)، خبرکشی (۱۶۹)، جزوسازی (تبانی) ۱۷۴، غم‌خور (غم‌خوار) ۱۸۸، شماها، ندانستگی (۲۱۲)، مال (مواشی)، مراسیم، أجرة، هیژده، تاونی، کاربه‌راهی، سگ گیرند، خورده‌بین، اوردوی، رسد، آبار، کرم فیله اشاره کرد.

واژه‌ها و ترکیبات عربی

کاربرد لغات و ترکیبات عربی در نثر تذکره خصوصاً در مقدمه فراوان است. بسامد ابیات و مقولات عربی نیز در نثر تذکره زیاد است که در جای‌جای آن دیده می‌شود. از میان انبوه این واژه‌ها و ترکیبات به طایر، خلف، طوامیر (۵۰)، عم (۷۰)، خالو (۷۱)، صواب، لیل و نهار (۷۶)، صداع (۷۹)، ابوی، طیور (۸۶)، بطن (۸۷)، صبیبه، بیع (۸۸)، ناصیه (۹۹)، عطیه (۱۰۰)، عظام (۱۰۲)، سحاب (۱۱۶)، اجداد (۱۱۹) عمو (۱۲۹)، صغار، کبار (۱۳۰)، یوم، شهر (۱۳۲)، طاحونه (۱۳۵)، اخوی (۱۴۸)، والد (۱۶۳)، حدیقه (۱۸۸) و... باید اشاره کنیم. علی‌الطریق الاستکمال (۲۰)، خوفاً للنسیان و الفنا (۵، ۶)، رطب‌السان (۵۱)، کثیرالوقار (۵۳)، حسب‌الوصیت (۷۴)، حسب‌الواقع (۷۹)، حسب‌الارقام (۸۶) حسب‌الاستدعا (۱۲۰)، حسب‌الاصلاح (۱۳۳)، معلوم‌الحال (۱۴۹)، من حیث الاستقلال (۱۷۰)، کثیرالاختلال (۱۸۸)، بیت‌الاحزان (۲۲۰)، فلیرجع الی دیوانه، مراراً بعد اخرا مقولات رایج عربی هستند که در تذکره به کار رفته‌اند.

واژه‌های مغولی و ترکی

در نثر تذکره، کاربرد واژه‌های مغولی و ترکی قابل توجه است. این لغات بعضاً به عنوان القاب و عناوین کشوری و لشکری فراوان به کار رفته است. واژه‌ها و اصطلاحات دیوانی‌ای چون یوزباشی (۷۵)، بیگلربیگی (۹۰)، جارچی‌باشی (۱۴۴)، داروغه‌گی، سیورغال (۱۳، ۹۹)، قشون (۹۰)، امیرتومان (۱۷۴) و از جمله واژه‌های عمومی‌تر ترکی تذکره از یغما (۱۲)، کشیک (۲۱۲)، کوتک، داروغه (۵۵)، توشقان‌نیل (۴۵)، یونت‌نیل (۴۸، ۱۰۰)، بیجی‌نیل (۴۹)، تکوزنیل (۴۹)، پارس‌نیل، شلتاق، تیول (۷۳)، طغرا (۷۶)، باشی، سیورسات (۱۳۱، ۵۳)، سوغات (۱۴۴)، قاپوچی (۱۴۵)، کشیک‌چی (۲۱۲)، یراق، تیول، تومان، کوتک، چاقشور (۸۹)، اویماق (۹۰)، ایل (۱۷۰)، قدغن (۹۳، ۵۳) و بلوک (۱۷۲) می‌توانیم یاد کنیم.

ترکیب‌سازی

ترکیب‌سازی از بسامد بالایی در تذکره برخوردار است و یکی از مؤلفه‌های سبکی نثرنویسی





برنابادی به شمار می‌رود. از میان ترکیب‌های مختلف کاربرد ترکیبات عطفی (مترادف و متضاد)، مقلوب، وصفی، تشبیهی و استعاری در تذکره چشم‌گیر است.

ترکیب‌های عطفی

استحکام و متانت (۹)، رفعت و عزّت، املاک و اسباب (۱۰)، مزین و منقش (۱۲)، ظاهر و روشن، واضح و مبرهن (۱۳)، نامه و پیغام (۴۰)، فضل و کمال (۴۹)، اسباب و اموال، نطق و بیان (۵۰)، معزز و مکرم، محو و نیستی (۵۱)، عنقا و کیمیا (۵۲)، طراوت و نضارت (۵۴)، اکرام و اعزاز و احترام، شکوه و شکایت (۵۵)، انعام و خلعت، کفن و دفن (۸۴)، بی‌حس و حرکت (۸۶)، صید و شکار (۸۷)، سیادت و نجابت، غصب و سرقت و تاراج (۸۸)، رفت و آمد (۸۹)، ضرر و نقصان (۹۴)، مستتر و پنهان (۱۰۸)، مخفی و مستور (۱۱۹)، غم و آلم (۱۲۰)، حُزن و ملال (۱۲۱)، قوت و ضعف، صغار و کبار، بعید و غریب، نصیب و قریب (۱۳۰)، فوقانی و تحتانی (۱۳۵)، ظلم و ستم، اندوه و غم (۱۴۵)، اطراف و جوانب (۱۴۷)، نزدیک و دور، مسلمان و هنود (۱۴۸)، استمالت و دل‌جویی (۱۵۲)، اطراف و اکناف، عزّ و جاه، اشفاق و احسان، سادگی و سلیمی، دوستی و دشمنی (۱۵۵)، خویشی و وصلت (۱۵۶)، فتنه و فساد (۱۵۸)، فتنه و شور (۱۶۰)، ذلت و بی‌سر و سامانی، خواری و سیاه‌بختی، فقر و فاقه (۱۶۱)، اذیت و نقصان (۱۶۱)، اهل و عیال، فقر و فاقه (۱۶۲)، اضرار و اذیت (۱۶۳)، جاه و جلال (۱۶۵)، شفقت و محبت (۱۶۷)، نزاع و ستیزه (۱۷۱)، فریاد و نفیر، تقصیر و تذویر (۱۷۷)، اظهار و اشهر (۱۸۰)، جاه و جلال، کینه و غم (۱۸۲)، خلعت و انعام (۱۹۰)، تأسف و ندامت (۱۹۳)، جور و آلم (۱۹۴)، دهقان و باغبان (۱۹۷)، نشیب و فراز، عزّت و کمال، محنت و ظلم و جفا (۲۰۹).

ترکیب‌های مقلوب

لازمه اهتمام (۷۳). خراب‌خانه‌ها (۱۵۷).

ترکیب‌های وصفی

صاحب‌قران (۹)، سپه‌احتشام (۱۱)، بلاغت‌گستر (۵۰)، خُلدآشیان (۵۴)، پریشان‌احوال، حمیده‌خصال (۷۹)، ستم‌شعار (۸۵)، فلک‌سریر (۹۷)، رفیع‌جناب (۱۱۶)، عدالت‌شعار (۱۲)، خورشیداشتهار (۱۳)، کج‌رفتار (۵۰)، کوچک‌دلی (۱۴)، بزرگ‌منشی (۱۴)، حمیده‌سیر (۴۸).





ترکیب‌های تشبیهی

صفحه روزگار (۱۳)، صفحه هستی و نیستی (۵۰)، آئینه دل (۵۲)، نهال اخلاص (۵۴)، باغ اختصاص (۵۳)، انوار اخلاص (۸۰)، دود کدورت (۱۲۰)، آتش ستم (۱۴۸)، چمن خاطر (۱۹۴).

ترکیب‌های استعاری

سپهر کج‌رفتار (۵۰)، ناصیه فراغت و استخلاص (۸۰)، لباس غرور (۱۳۸)، پنجه شرم (۱۴۸).

ترکیبات فارسی-عربی

دارالرفاه (۱۵۴)، حسب‌الخواهش (۱۷۹)، منکسرالبال (۱۳)، صوابدید (۱۰۲).

جمع‌بستن واژه‌های فارسی و عربی

جمع‌بستن واژه‌های فارسی با «ات» و «جات»: محوطجات (۹)، قبالجات (۹۰، ۱۵۷)، خالصجات (۱۵۳)، اخراجات (۱۷۸)، حوالجات (۱۹۳)، نوشتجات (۱۴ و ۱۱۲)، فرمایشات (۱۰۶)، باغات (۱۲۹) و ...

جمع‌الجمع

جمع‌بستن دوباره واژه‌های عربی با پسوندهای فارسی «ها» و پسوندهای عربی «ات»، چون مبالغ‌ها (۱۴۷)، زوارها، عوامل‌ها (۱۰۲)، فیوضات (۱۷)، مصارفات (۱۱۳)، امورات (۱۵)، ۱۱۸، ۱۶۷، وجوهات (۱۲۶)، احوالات (۱۳۶، ۱۵۶)، بیوتات (۱۳۵)، عوارضات (۱۹۲)، ادویه‌ها (۱۵۰).

جمع‌بستن ضمایر شخصی و مشترک

- ماها (۱۲۱، ۱۷۱).

- «و آخر شب به آن‌ها عذرخواهی می‌نمودند که شمایان خواهش خواب دارید و ما غنیمت می‌دانیم» (۱۲۱)

- «در اول ورود به برناباد پسرعمّم می‌گفته که اگر محمدخان غیرتی می‌داشت، شمایان که از دوستان قدیم اجداد ما بودید به این قسم خراب نمی‌شدید» (۱۸۶)

- «در فکر جمع‌آوری رعایا و التیام جراحات قلوب ستم‌رسیدگان و نسق زراعات و آبادی این





خرابه‌های ویران می‌باشند و مقدار صد خروار بذر به مایان مساعدت داده...» (۱۲۲)
 - «شاه آن‌ها را به خلوت طلبیده فرمودند که آنچه شماها به هم ادعا می‌نمایید، مال سرکار ماست.
 (۲۱۲)

- «بعد از ده یوم وزیر مخبر و به مرحوم ابوی ام تعرض نموده بوده که شماها بیگانگی می‌نمایید.»
 (۲۱۴).

- «و اکثری را به بهانه آن‌ها، خودها خوردند.» (۱۲۷)

- «مردم برناباد و آدم‌های قدیمی ماها، تاک‌های باغات مرا...» (۱۲۱)

جمع بستن قید

«مخفی نماناد که مبالغ و مقدارهای کلی به اشخاصی که به این قسم رفتار می‌نمودند داده
 بودم» (۱۶۰).

ساخت‌های کهن افعال

نماناد (۱۱)، گذرانید می‌نموده باشد (۹۹)، نمودمی، کوچانید (۱۸۰)، گریزانید،

عدم مطابقت ضمائر شخصی با فرد

کاربرد ضمیر شخصی جمع به جای مفرد:

- «در روشنایی چراغ، دماغ ما به درب خانه خورد» (۱۲۱).

- «شمایان خواهش خواب دارید و ما غنیمت می‌دانیم» (۱۲۱).

- «ایشان» به جای این (۴۸).

کاربرد ضمیر سوم شخص به جای اول شخص

- «و از جمله اشعار قبله‌گاهی ام میرزا ابوطالب، چند قصیده و غزل و رباعی که از حالی خالی
 نیست، در این تذکره مرقوم می‌نماید» (۵۸). «می‌نماید» به جای «می‌نمایم».

- «و در همان تاریخ هزار و دویست و چهار، حسب الصلاح مرحوم قبله‌گاهی ام در هفتم ذی
 الحجه الحرام، صبیئه میرزا معصوم ولد مرحوم میرزا عبدالعظیم را به حباله نکاح خود درآورد و
 در شب ششم شهر محرم الحرام سنه ۱۲۰۷، تولد فرزندی حسن از بطن آن معقوده صورت وقوع
 یافت. «درآورد» به جای «درآوردم».



برای مفرد غایب، شناسه جمع به کار برده و این ویژگی به صورت چشم‌گیری اغلب به جهت احترام در تذکره دیده می‌شود:

- «... خواجه سراج‌الدین علی که از مکه معظمه به خراسان آمده، سکنی گرفته‌اند» (۷).
- «سلطان محمد ابن شاه طهماسب ابن شاه اسمعیل صفوی که در ایام حیات و سلطنت والد خود که نایب‌السلطنه خراسان و در هرات بوده‌اند، به مرحوم خواجه محمدطاهر داده بودند» (۱۰).
- «از اتفاقات عجیبه در موضعی که مرحوم عمویم میرزا محمدرضا به گلوله تفنگ، مقتول گردیده بودند» (۱۲۲).
- «زیاده چه تحریر نماید» (۱۴۸).
- «از استماع این خبر، اخوی محمدعلی را فرستاد که منسوبان و بازماندگان آن‌جا را به شهر بیاورد،» (۱۴۹).
- «و در همان حوالی ما چند یوم تعزیه‌داری آن‌ها را نموده، بعد فرار بر قرار اختیار نمود. از مرحوم ابوی قبله‌گاهی ام استماع نمود.» (۱۶۲).
- کاربرد شناسه سوم شخص مفرد غایب برای متکلم وحده:
- «در این تذکره مرقوم نمود، از اشعار... اختصار نمود، چون بیان این جزئیات باعث طول کلام است، به تحریر زیاده مبادرت نمی‌نماید، زیاده اظهار نموده، به شرح احوال متقدمین خود مبادرت می‌نماید و مکشوف می‌دارد» (۷).
- «هر گاه مسوده آن مراثی و قطعات را تواند به دست آورد، تحریر خواهد نمود» (۱۱).
- «اگر خواهد ذکر نماید» (۷۲).
- «چون وقت مقتضی آن نیست و غرض اجمال است، به شرح آن مبادرت نمی‌نماید» (۸۷).
- «هر چند راقم حروف التماس می‌نمود که تابوت را برداشته و به جای دیگر می‌گذاریم، رضا نمی‌شدند» (۱۲۱).

سطح نحوی

کاربرد متنوع عبارات و جمله‌ها از جمله مشخصات سبکی در نثر تذکره محمدرضا برنابادی بوده که در این بخش از پژوهش به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.





عدم مطابقت صفت و موصوف در افراد و جمع

دکان سبزی‌فروشی‌ها (به جای دکان‌های سبزی‌فروشی) (۱۴۸)، دست‌مال کاغذها (به جای دستمال‌های کاغذ) (۱۴۴)، چاه‌های مبرزهای (به جای چاه‌های مبرز) (۱۷۱)، درب‌های خانه‌ها (به جای درب خانه‌ها) (۱۸۴)، چندین بقعه‌های (به جای چندین بقعه) (۱۲۵).

عدم متابعت عدد و معدود:

چهار عناصر (۱)، کتب دواوین (۲)، هفتاد جریب اراضی (۹)، ابنیه خیرات (۱۳)، هشتاد املاک (۱۳)، دواوین اشعار (۱۴)، چند نفر عرفا (۵۶)، چند نفر زارعین (۸۹)، صاحب‌های آن‌ها (۱۵۶)، بیست زوج عوامل (۱۵۶)، قبالات املاک (۱۵۷)، هفتاد تومان رخوت و اجناس (۱۶۶) و ...

تتابع اضافات

در نثر تذکره، تابع اضافات به سبب توصیف و تعریف اشخاص و اشیاء به کار رفته است:

- «غریق بحر مغفرت» (۱۵)،

- «اشرار غدار نابکار» (۸۶)،

- «عموم غموم و هجوم هموم، این مهموم مغموم محروم را بر آن داشت» (۱۹۶)

- «و از اطلاع و استحضار بر اطوار مختار اخیار و رفتار ناهنجار اشرار روزگار» (۶).

- «و معرفت بر احوال دوستان قدیم و مشفقان واجب التعظیم حاصل نموده» (۲).

- «... حیلولت ارض بی مروتی ارذال ناپاک هتاک سفاک بی‌باک، از کسب و استدراک نور نظاره رخساره مهر فراغت و افتکاک، عایق گردیده این اقل خلایق که به عدالت حکام دوران و اعانت ابنای زمان همیشه منتظر و شایق بود؛ از تصور ستم‌های سابق و ملاحظه تحمیلات لاحق و کثرت پریشانی و علایق و عوایق ملتجی به جناب کاشف الدقایق واقف الحقایق شده، از اعانت مخلوق مایوس و به تحریر این مقال که هر نقطه‌اش چون دانه سپند دل‌سوخته آتش‌سینه دهر، دایره‌اش چون قامت از بار ستم خمیده محنت دیرینه من است...» (۲۱۰).

سجع نویسی

در تذکره برنابادی بیش‌تر سجع مطرف و متوازی به کار رفته و از این میان سجع متوازی در آن از بسامد بالایی برخوردار است. نمونه‌هایی چند این‌جا ارائه می‌شود:



- «... که به زیور فضل و کمال آراسته و به حلیه صلاح و سداد پیراسته» (۴۹).
- «دنیا نه جای اقامت و حضور و مکان استراحت و سرور است، بلکه محل حوادث و شرور و منزل عبرت و عبور است» (۱۱۹).
- «... و آنچه از مردم سادات و درویش گرفتند یا محصلان جفاکیش خوردند یا کارکنان ظلم‌اندیش به مصرف ساده‌رویان بی‌ریش رسانیدند (۱۵۴)؛ «با وجود امتداد ایام و دهور و کثرت اعوام و شهور...» (۸).

سجع مطرف:

- «این معنی باعث اشتها آن سرحلقه اشرا و در نظر ظاهر بینان روزگار، وسیله اقتدار و اعتبار و اعتبار آن غدار گردید» (۱۵۵)،

سجع متوازن:

- «حدایق و بساتین مطبوع خوب و مساکن و منازل مرغوب که حال آثار آن‌ها دال بر آن است داشته، در کمال فراغت و آرام اوقات می‌گذرانده‌اند» (۴۸).

تنوع جمله‌سازی از نظر کوتاه و بلندی

- ترکیب نحوی ست که از نگاه شکل و معنی کامل باشد. در تذکره محمدرضا دو نوع جمله (کوتاه و بلند) بیش‌تر از انواع دیگر به چشم می‌خورد.

جمله‌های کوتاه:

- نگارنده، شرح زندگی خود و ذکر وقایع دیگر را با زبانی ساده، رسا و دور از هر نوع لفظ‌پردازی و به کارگیری واژه‌ها و ترکیبات دشوار، در قالب جمله‌های کوتاه و مرتبط باهم بیان کرده است.
- «زیاده اظهار ننموده، به شرح احوال متقدمین خود مبادرت می‌نماید و مکشوف می‌دارد که نسبت این معتکف زاویه گمنامی به ده واسطه به مرحوم حاجی خواجه سراج‌الدین علی که از مکه معظمه به خراسان آمده سکنی گرفته‌اند، می‌رسد» (۷-۸).
- «دیگر هفتاد جریب اراضی است که اکثر آن را نهالستان و اطراف آن را ناجو نشانیده و دیوار نموده، وقف آن مزار کرده‌اند» (۹).
- «مرحوم خواجه علی اکبر که با وجود گوشه‌نشینی و خاک‌ساری از مشاهیر این دیار بوده‌اند؛ در ایام توقف آن پادشاه خورشید‌اشتهار، خدمت‌کاری نموده بودند که منظور نظر ایشان گردیده





در ایام اقتدار خود رعایت بسیار به آن مرحوم خاک‌سار می‌فرموده‌اند...» (۱۳).

جمله‌های طولانی:

محمدرضا برنابادی در مواردی در تذکره، جمله‌های طولی نوشته که سبب شده میان نهاد و فعل جمله فاصله زیادی به وجود آید و درک معنی جمله برای مخاطب دشوار شود.

«حمد بی حد و سپاس بی قیاس، مدّونی را سزاست که دیباچه وجود موجودات را به ایجاد فرد کامل مسندالابرار و رباعی چهاریار عالی‌قدر و مخمّس پنج آل عبا و مثنوی دو نور دیده مصطفی، محلی و مرتّب فرموده و به مقطعات اعمال ائمه دین و مستزادات افعال تابعین و قصاید اقوال مجتهدین و غزلیات حُسن صفات عرفانی حقیقت‌گزین، زیب و تزئین بخشوده، سبحان‌الله خالقی که وقایع قضا و قدر حوادث خیر و شر را به موازین نقدر و بحور مقرّر، در سفینه تکوین از مطلع ازل تا مقطع ابد به قوافی چنین مردّف تعیین نموده، و لغز و معنیات دقیق آفرینش را در رساله حدود و قدم، به جهت تحیر ارباب تفکر و عبرت اهل علم، لباس الفاظ و عبارات عرب و عجم پوشانیده، مسدّس جهان را محیط سراپای سفلیات و ترجیع‌بند حیات و ممات ممکنات را، در صحیفه هستی و نیستی در تحت آیه کریمه «انا لله و انا الیه راجعون» مندرج و اثبات فرموده، فتبارک الله احسن الخالقین؛ اما بعد...» (۵۰).

کاربرد افعال به جای یک‌دیگر

- «و اطوال و اقوال را باعث ملال خیال نموده» (۷۹)، یعنی دانسته.

- «حسب‌الفرموده، اسپ‌های خود را به نظر بندگان شاه‌زاده رسانیدند» (۹۶) یعنی نشان دادند.

- «و بعضی آن ارقام را، کرم خورده و ضایع نموده» (۹۹)، یعنی ضایع شده.

حذف فعل جمله

- «و دو ثلث او، ملک مرحوم عمویی ام میرزا محمدباقر و ابوی ام و یک ثلث او ملک مرحوم عمویی ام میرزا محمد مهدی وزیر سابق دارالسلطنه هرات بود» (۹۵).

- «اموال و اسباب لشکر را متصرف و از آن جا به محاصره هرات عزیزت نمودند» (۱۷۰).

تکرار واژه

صنعت تکرار بر موسیقی کلام می‌افزاید که شامل تکرار واک، هجا، واژه، عبارت یا جمله می‌شود. این شگرد از نوع تکرار واژه در نثر تذکره بیش‌تر از دیگر انواع وجود دارد:



- «و در این دفعه نیز، تمسکات و دستمال کاغذهای مرا برداشته، مطالبات که از مردم آن ولایت و زارعین خود داشتم، گرفتند و از پسر عمم نیز آنچه ممکن شد، گرفتند.» (۱۴۴).
- «تمسک هشت هزار خروار غله، به اسم هشتاد نفر نود نفر» (۲۰۵)
- «و چون هفت هشت سال به فریب اُلفت و محبت زبانی او با او رفتار داشتم، اما چون سرقت و اسیرفروشی که سرشت او به او مخمّر و عادت جبلی آن خر بود، با عدم لیاقت و قابلیت او، به او به شفقت می‌فرمودند.» (۱۹۱).
- «... در باب استفسار احوال نواب ایران مداری حسن خان که خبر ناخوشی مزاج ایشان را که شنیده بودند، نوشته بودند.» (۱۴).
- «و آنچه ضایع شده بود که راقم حروف جمع و مردّف نموده تخمیناً پنج شش هزار فرد می‌شود و این دیباچه‌ای است که العبد محمدرضا بر مجموعه آن اشعار که جمع و مردّف نموده، انشاء و به رشته تحریر کشیده ...» (۵۱).
- «خواجه محمدطاهر ابن خواجه جلال‌الدین ارشد طاب ثراهما، که بعضی از ابنیه خیر آن مرحوم مبرور با وجود امتداد ایام و دهور و کثرت اعوام و شهور، حال معمور و مشهور و از آن جمله هفت بنا از ابنیه خیر آن مغفور در این تذکره مذکور و مسطور می‌شود» (۸).
- «و آن را در محال قاین و غوریان به سرقت و راهزنی و اسیرفروشی و راهزنی، مختار و مطلق العنان فرمودند.» (۱۵۵).
- «دیگر تعمیر و اتمام مسجد جامع قریه برناباد است ... و مرحوم خواجه محمدطاهر مؤفق به تعمیر و اتمام آن شده‌اند.» (۸).
- «لحظه‌ای به تفرّج ریاض ریاض مضامین آبدار و ازهار اسرار و غنچه‌های نکات ابکار آن، خود را مشغول ساخته به دستکاری نظاره تماشایی، چمن چمن گل ریحان به دامن مطالعه نماید» (۵۲).
- «والد والده راقم حروفند و دیگری را میرزا ابوالفتح که والد والده راقم حروفند» (۷۰).
- «... میرزا محمدباقر فرموده بودند، مانده بودند» (۷۵).
- «از آن جمله سه رأس اسپ که یکی به چهل و پنج تومان و یکی بیست و هفت تومان و یکی به شانزده تومان تبریزی به قیمت رسیده بود» (۹۶).
- «و از اجناس آنچه پسند آن‌ها می‌شد و از قیمت اجناس خود آن‌ها و غیر آن‌ها هر که هر چه می‌خواست، می‌برد» (۱۴۲).





- «و بعد به دو یوم مرا مرخص مرخص نمودند؛ اما در آن دو یوم...» (۱۴۸).
- «مرا زجر مرا تاراج می‌نموده» (۱۵۷).
- «عاید آن‌ها می‌شود و آن‌ها در این ایام» (۱۶۱).
- «یک دفعه بر شیوه وزارت خالصه و یک دفعه بر شیوه تاراج نمودن مال» (۱۶۱).
- «به او خبر رسید که برادر و دو زوجۀ برادر او در یک روز هر سه نفر... نفاق خوانین نگرفتند» (۱۷۴).

تکرار ضمایر اشاره و مشترک

- «معاصر ایشان به ایشان، به رویۀ خاک‌ساری که طریقه موروثی ما خاکساران است» (۶).

کاربرد گسترده ضمیر مشترک خود

- «آدم‌های خود ما» (۱۵۶).
- «خود گاهی از املاک و حوالی‌های خود، خبر می‌گرفتند» (۱۷۸).
- «از بد رفتاری‌های خود او و برادر او» (۱۶۲).
- «با وقف نامچه که خواجه علی اکبر جد او املاک خود را وقف اولاد ذکور خود کرده» (۵۵).
- «دلاک، کیسه‌مال، خیاط و خباز ایشان، غلام بیچه‌های زر خرید که خود آن‌ها را به شاگردی گذاشته استاد نموده بودند، بودند و معه‌ذا هرگز برای خود پیش خدمت و شاطری که کسی حمل بر اسباب بزرگی نماید، معین نمی‌نمودند» (۹۰).

جابه‌جایی ارکان جمله

- هر یک از اجزای جمله، جای‌گاه خاصی دارد. برنابادی، ساختار جمله‌ها را گاه دگرگون کرده و ترتیب اجزای آن‌ها را رعایت نکرده است:
- «رفت و آمد مراسلات بسیار می‌شد» (۷۵)،
 - «این پریشان احوال و اشتمال بر کیفیت حال دارد، اکتفا به زیاده صداع افزانمی‌گردد» (۷۹)،
 - «در خدمت ایشان، لازمه اهتمام می‌نمودند» (۸۶)،
 - «چاشت و شام می‌خوردند» (۹۳)؛



- «اسبی که شصت تومان به قیمت رسیده بود» (۹۵).
- «آقابابا بدهد و آقابابا هم همین شرط را قبول نمود و بعد کمري آقابابا به مبلغ پنجاه تومان به زمان خان فروخت» (۱۶۱).
- «از تاریخ قبل بر این به چهارصد سال الی حال» (۵).

جابه‌جایی حروف اضافه

- کاربرد «به»، به جای «در»: «به مزار مدفون است» (۱۴۷).
- کاربرد «به»، به جای «برای»: «از مراسلات که به خطوط خود به ایشان نوشته‌اند» (۱۴).
- کاربرد «در»، به جای «برای»: «آن را در ثانی نهال‌نشانی و تعمیر نموده‌اند» (۹).

نتیجه‌گیری

تذکره محمدرضا برنابادی به جهت اشمال منشآت و مراسلات مختلف و نیز حوادث تاریخی هرات از ارزش ادبی، اجتماعی و فرهنگی بسیاری برخوردار است. برنابادی با خلق این اثر به اوضاع نابسامان سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، سده دوازده و سیزده هرات و حکومت سدوزائیان در هرات پرداخته است. نثر تذکره یک‌دست نیست و گاه سلیس و روان و گاه بسیار پیچیده و متکلف است. در مجموع می‌توان سبک نثر این نویسنده را آمیزشی از نثرهای مرسل، بینابین و فنی خواند. کاربرد واژه‌های غیرفارسی از قبیل واژه‌ها، ترکیبات، مقوله‌ها و اشعار عربی؛ واژه‌های ترکی و مغولی معمول وقت در این اثر چشمگیر است. اشتباهات املائی، افعال کهن زبان فارسی، نارسایی‌های نحوی به ویژه جابه‌جایی حروف اضافه و ارکان جمله، کاربرد جمله‌های طولانی و چند جزئی، کاربرد اشتباه حروف اضافه، عدم مطابقت نهاد و گزاره در متن تذکره از شاخص‌های مهم سبکی نثر تذکره به شمار می‌روند.

یادداشت‌ها

* تذکره محمدرضا برنابادی با نام «نسخه خطی محمدرضا خان برنابادی» به شماره ۳۴۹ در کتاب‌خانه مرکزی اکادمی علوم افغانستان در کابل نگهداری می‌شود. این نسخه که پیش از این متعلق به کتاب‌خانه ریاست انجمن تاریخ بوده، با خط نستعلیق خوش نوشته شده و در صفحه آخر آن یادداشت تملکی به سال ۱۲۷۲ ق. به خط عبدالوهاب از فرزندان میرزا محمدرضا دیده می‌شود.





**شگفتی آور است که در دو دست‌نویس موجود از تذکره برنابادی، اشتباهات املائی یکسانی دیده می‌شود. این اشتباهات را نمی‌توان به صورت قطعی متوجه نویسنده ساخت. اما از آن‌جا که در هر دو نسخه تکرار شده، این تردید را به ذهن متبادر می‌کند که ممکن است اشتباهات خود مؤلف باشد. اشتباهاتی چون ارزال (۷-۱۳۶)، اغبال (۷۹)، شکرگذاری (۸۰)، خدمت‌گذار (۱۰۰)، سوقات (۱۶۰)، طراوش (۱۰۵)، متصل (۱۸۰)، ذخارف (۱۹۳)، تذویر (۱۷۷)، گذارش، سلسال، عظیمت، حق‌گذاری، همیون، ملاتفات، حضیره، واسطت، مطاع، سرافت، قاعده ضمیمه، اصله، مستحفض، سابق‌تران، حوالی‌نشیمن (۱۵۸)، سگیت، متلاشی (در تلاش)، شواغل ۵۱، ملبوس (۹۶)، رنود، فروش (فروش‌ها) (۱۴۲)، رخوت (رخت‌ها) (۱۴۳)، دروب (درها)، و ... در این اثر دیده می‌شود.

***به سبب کثرت استفاده از تذکره برنابادی در مواردی که به این کتاب ارجاع داده شده است، صفحه کتاب را داخل متن آوردیم.

فهرست منابع

- برنابادی، محمدرضا، (۱۹۸۴)، تذکره، مسکو: اداره انتشارات دانش شعبه ادبیات خاور اکادمی علوم شوروی.
- بهاء، بهاء‌الدین، (۱۳۸۴)، تذکره زرنگار، هرات: توانا.
- بهار، محمدتقی، (۱۳۸۵)، سبک‌شناسی، چاپ دوم، تهران: توس
- جامی، سعید، (۱۳۸۹)، پله اول (مجموعه آموزشی شعر). چاپ سوم. هرات: رسالت.
- خلیلی، خلیل‌الله، (۱۳۸۳)، آثار هرات، چاپ دوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۸۷)، سبک‌شناسی نثر. چاپ دوازدهم، تهران: میترا.
- غلام‌رضایی، محمد، (۱۳۹۴). سبک‌شناسی نثر فارسی (از قرن چهارم تا قرن سیزدهم)، تهران: سازمان مطالعه و تدوین علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- فتوحی، محمود، (۱۳۹۰). سبک‌شناسی (نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها)، تهران: سخن.
- مایل هروی، غلام‌رضا، (۱۳۴۸)، میرزایان برناباد، کابل: انجمن تاریخ افغانستان.
- نوری، حسن؛ گیوی، حسن احمدی، (۱۳۸۸)، دستور زبان فارسی ۲، چاپ پنجم، تهران: فاطمی.
- یمین، محمدحسین، (۱۳۸۴)، دستور معاصر زبان فارسی دری، کابل: میوند.